

همکاری اطلاعاتی یا جنگ جدید هوشمندانه؟

سازمانهای اطلاعاتی افغانستان و پاکستان در پیوته آزمایش

پس از سالها کش و قوسهای پیهم، اینک طی ماه می سالروان، میان اداره امنیت ملی کشور و سازمان استخبارات نظامی پاکستان، یادداشت تفاهمی مبنی بر همکاری در زمینه تشدید مبارزه علیه تروریسم به امضا رسید که در نوع خود بمثابة نخستین سند تفاهم میان سازمانهای استخباراتی دو کشور همجوار محسوب میگردد. قبل از همه در مورد یادآور باید شد که سند تفاهمی یادشده در بعضی از محافل کشور مورد پرسش و تأمل قرار داده شد، مخالفان سند یادشده، خلوص نیات زمامداران پاکستانی را در مورد مبارزه با طالبان مورد تردید قرار دادند. اما بعقیده عده ای از کارشناسان، عقد توافقنامه امنیتی از این دست میان سازمانهای استخباراتی دو کشور، بنوبه خود گامی در جهت تحکیم همکاریهای نظامی و اطلاعاتی میان افغانستان و پاکستان محسوب میگردد. در این مقطع بجا خواهد بود تا سوالی را مطرح نماییم و آن اینکه در این نوع همکاریها (از نوع ماه می سال ۲۰۱۵)، بیشترین نفع شامل حال کدام طرف میگردد؟

یادداشت متذکره شامل چندین نکته مرسوم میباشد: مبادله داده های اطلاعاتی، توسعه مشترک و هماهنگی همکاریها در بخش عملیات ضد تروریستی در سرحدات افغانستان – پاکستان. آی.اس.آی. مسوولیت تعلیم و تربیه متخصصین افغان را بدوش خواهد داشت والی غیرالنهاییه. همزمان با آن، سند یادشده شامل مقررات جدید نیز میگردد که از جمله بررسی مشترک موارد پیش آمده افراد و اشخاص متهم باعمال تروریستی را در برمیگیرد. نکته متذکره باید بمثابة کاردانی خدمات اطلاعاتی و استخباراتی پاکستان تلقی گردد که در صدد آن میباشد تا نه تنها اعداد و ارقام مورد نظر را بدست آورند، بلکه در پی اداره نمودن حرکتیهای مخالف نظامی در کشورهای همجوار خویش میباشد. در چنین یک وضعیتی، این پاکستان است که بصورت همیشگی و دوامدار، اما بسیار زیرکانه این مسأله را تکرار مینماید که: «... بصورت جدی و دقیق آن از سیاست عدم مداخله در امور داخلی افغانستان پیروی مینماید».

اشاره مختصر: طی ماه جنوری سالروان، کانونهای نظامی پاکستان بر قوه مقننه وقوه اجرائیه فشار

وارد نمودند تا مسأله ایجاد محاکم نظامی در دستور کار قرار گیرد. بتاريخ ۷ جنوری سال ۲۰۱۵، عملکرد شانه بشانه آنها با محاکم در مورد صلاحیتهای عام طی بیست و یکمین اصلاح قانون اساسی برای دوره

دوساله تصویب گردید. در کشور پاکستان، محاکم نظامی بمنظور به محاکمه کشاندن مظنونین به ارتکاب حملات تروریستی در همه جا ایجاد گردید. قابل یادآوری میباشد که نهادهای نظامی پاکستان، مناطق سرحدی افغانستان - پاکستان را بمثابة دژ واحد فعالیت‌های ضد تروریستی محسوب مینمایند. به یقین کامل که در افغانستان نیز در آینده های نه چندان دور، در سیستم قضایی اصلاحاتی وارد گردیده و در مورد صلاحیتها ونحوه عملکرد نهادهای قانونگذار در کشور اقداماتی صورت گرفته وقانون «ضد تروریسم» نیز مورد تأیید وتصویب قرار گیرد، البته باید متذکر گردید که مطابق قانون «ضد تروریسم»، حقوق نهادهای دولتی افزایش مینماید. همچنان در یادداشت متذکره تأکید بعمل آمده تا فعالیت‌های مشترکی غرض مبارزه علیه پناهگاههای تروریستان در افغانستان(!) باید صورت گیرد، در حالیکه از موجودیت مراکز اصلی تربیه، تجهیز و تسلیح تروریستان در سرزمین پاکستان، سخنی بمیان نمیآید.

رسانه های پاکستانی طی روزهای اخیر، بصورت مکرر از همکاریهای در حال رشد میان دوکشور، پس از سالهای طولانی عدم اعتماد، مطالبی را بنشر میسپارند، ازجانبی هم این خبر که استخبارات افغانستان، محسود، یکی از جمله رهبران جنبش طالبان پاکستانی را در افغانستان پناه داده، جلب توجه مینماید. در مقابل، رسانه های موجود در کشور عزیزما افغانستان، تغییر کلی اینچنینی و دگرگونی سیاست اداره امنیت ملی که طی آخرین سالها، آی.اس.آی. را در مورد پناه دادن به رهبران امارت اسلامی افغانستان و شرکای جرم مخالفین مسلح افغانستان، مورد انتقاد قرار میداد، واقعاً گیج کننده محسوب مینمایند.

بهرحال، رئیس امنیت ملی افغانستان از امضای یادداشت متذکره خودداری ورزید. حامد کرزی، رئیس جمهور سابق افغانستان، این توافقنامه را بمثابة «ضربه ای به منافع ملی افغانستان» محسوب نمود.

طی خزان سال ۲۰۱۴، باعدم موجودیت موضع قاطع حکومت وحدت ملی در افغانستان، وضعیتی ایجاد گردید تا الترناتیف نیروهای بین المللی یاری امنیتی جستجو گردد که مورد تأیید دولت حامد کرزی (۲۰۰۱ - ۲۰۱۴) نیز قرار گرفته بود. نیروهای بین المللی یاری امنیتی (ایساف)، با ختم مأموریت رزمی، طی ماه دسامبر سال ۲۰۱۴ افغانستان را ترک نمودند. نیروهای امنیتی افغانستان، مسوولیت تأمین امنیت در کشور را بعهده گرفتند، اما در واقعیت امر، کشور درحالی قرار گرفت که طی ماه نوامبر سال ۲۰۱۴، اداره امنیت ملی افغانستان به پارلمان گزارش داد که کشور غرق خشونت گردیده و از موجودیت ۱۰۷ موضع مستحکم جنگجویان در مناطق اطراف کابل خبر داد.

اشرف غنی، پس از برگزیده شدنش بمثابة رئیس جمهور کشور، به اتخاذ تصمیمی که بیشتر نفع پاکستان در آن مضمّن بود، اقدام نمود. نامبرده در مورد «ایجاد شراکت جامع و طولانی مدت» و «مناسبات ویژه» بمنظور ایجاد همگرایی اقتصادی منطقوی میانیشد. طی نخستین سفر رئیس جمهور غنی به پاکستان در ماه نوامبر سال ۲۰۱۴، طرفین باین توافق نائل گردیدند تا مبارزه علیه تروریستان را در هر دو طرف خط دیورند هماهنگ نمایند. پاکستان از جانب خود، هر نوع همکاری و معاونت در پروسه صلح افغانستان را وعده سپرد.

باید یادآور شد که اسلام آباد در پی تعقیب اهدافش میباشد. جانب پاکستان باید مطمئن شود که کابل هیچگاهی به تخته خیز و انجام عملیتهای ضد پاکستانی مبدل نمیگردد، همچنان از افغانستان انتظار دارد تا به هیچ کشوری اجازه ندهد تا در قلمرو افغانستان، جنگ نیابتی را علیه پاکستان براه اندازد.

مناسبات اسلام آباد با کابل در طول تاریخ طولانی که با تشنج و مشکلات و ضد و نقیض گویی ها تعریف میگردید، طی سالهای ۲۰۱۱ - ۲۰۱۴، این مخالفتها و تفاوتها، حدت و شدت بیسابقه ای بخود کسب نموده و در نتیجه، اختلافات سرحدی و تفاوت دیدگاهها در مورد مبارزه علیه تروریسم، بدو بدتر گردید. در تفاوت با اداره رژیم قبلی، اشرف غنی گامهای نخستین را در بخش همکاریهای دوجانبه نظامی میان دو کشور برداشت.

نهادهای نظامی پاکستان طی خزان سال ۲۰۱۴، طرح پلانههای نسبتاً وسیع و گسترده همکاریهای نظامی - تخنیکی با افغانستان را مطرح نمودند. در مرحله نخست، به هدف اتخاذ تدابیر پیشگیرانه بمنظور ممانعت از ورود جنگجویان فرامرزی، طرفین توافق نمودند تا میکانیزم هماهنگی در مورد ستر سرحدات و تبادل اطلاعات استخباراتی و اقدام در فضای بازار جانب هر دو طرف تهیه گردد. جانب پاکستان، بصورت مکرر مسأله محل اختفای طالبان پاکستانی در ولایتهای کنر و نورستان را مطرح نمود.

در مرحله بعدی (آغاز نوامبر سال ۲۰۱۴)، جنرال راحیل شریف رئیس مرکز فرماندهی اردوی پاکستان پیشنهاد جدیدی که شامل «طیف گسترده» کورسهای آموزشی برای نظامیان و نیروهای امنیتی افغان در مراکز تعلیمات نظامی پاکستان و در برگیرنده آمادگیهای قوای پیاده، تجهیز و پیشبرد مشترک تعلیمات نظامی میگردد، بطرف افغانی ارائه نمود.

اقدام تروریستی ۱۶ ماه دسامبر سال ۲۰۱۴ در مدرسه نظامی واقع پشاور که به قتل ۱۳۳ نفر از دانش آموزان مدرسه یادشده انجامید، به نقطه عطفی در روابط و مناسبات میان اداره امنیت ملی افغانستان و آی.اس.آی. مبدل گردید. جنرال راحل شریف و تورنجنرال اختر، بر انتقال اطلاعات داده شده مبنی بر موجودیت مراکز تروریستان در ولایت کنر که حملات متذکره را سازماندهی نموده بودند، اصرار ورزیدند. قوای نظامی هر دو کشور با هماهنگی فعالیتهايشان، عملیات مشترکی را در امتداد سرحدات براه انداختند.

در طول ماههای بعدی، دیدارهای مکرری صورت گرفت. طی این مدت، جانب افغانی اندیشه اش را در مورد موجودیت پوتانسیل های خطر از جانب جنگجویان دولت اسلامی ابراز داشت و تأکید ورزیده شد که گروهبندهای تروریستی به گسترش و وسعت ساحه نفوذ شان مبادرت میورزند. گام بعدی در امر تحکیم همکاریهای نظامی دو کشور، ورود نخستین گروه از دانشجویان افغانی غرض آموزش در اکادمی نظامی پاکستان در آغاز سال ۲۰۱۵ میباشد. قبلاً طی ماه اپریل سال جاری، جنرال شیرمحمد کریمی، لوی درستیز وزارت دفاع ملی کشور، در رسم گذشت اکادمی نظامی کاکول اشتراک ورزید.

قابل یادآوریست که در بهار سال ۲۰۱۴، روابط افغانستان - پاکستان بشکل ایده آل بنظر میرسید. اما حملات شدید طالبان در سراسر افغانستان (به استثنای کابل)، ضرورت همکاریهای متقابل افغانستان و

پاکستان را در دستور روز قرار داد. اسلام آباد متقاعد گردید تا رهبران طالبان را پای میز مذاکره با نمایندگان دولت افغانستان حاضر نماید.

باوجود اتهامهای متقابلی که بریکدیگر وارد مینمایند، میان اداره امنیت ملی افغانستان و آی.اس.آی. طی ماه می سالروان توافقنامه ای عقد گردید. پاکستان اظهار داشت که بهیچوجه کمتر از افغانستان علاقمند آن نمیشد تا بصورت کلی، کانونهای خطر و جنگ در منطقه مربوطه افغانستان – پاکستان از میان برداشته شود. بدینترتیب، در ماه جون سال ۲۰۱۴، عملیات بزرگ نظامی فرماندهی قوای مسلح پاکستان بمنظور از میان برداشتن جنگجویان خارجی و محلی آغاز و الی ماه جون سالروان، ادامه خواهد داشت. بیشترین تعداد افراطیون جنگ طلب از طریق مسیرهای پیاده روهندوکش وارد سرزمین کشور ما گردیدند. بیشترین تعداد این جنگجویان وارد شده از خارج کشور، بمنظور تطبیق پلانهای خرابکارانه و تخریبی ترتیب شده در پاکستان، علیه دولت افغانستان و کشتار افراد ملکی شامل اطفال و زنان و مردان کهنسال به فعالیتهای تخریبکارانه ای متوسل میگرددند.